

شکی نیست هر آغازی را انجام و هر شروعی را پائانی است جز ذات بلیا ان خداوندی که هم آغاز است و هم انجام. زمان نیز مانند تمام مخلوقات الهی از این قاعده مستثنی نیست. روزگاری بردن اسپری شده که در باجه زندگی دنیا به شمار می آید و زمانی نیز خواهد گذشت که پان این کتاب خواهد بود. برکتهای پائانی کتاب زندگی انسان در زمين «آخرالزمان» خوانده می شود. «آخرالزمان» اصطلاحی است که در فرهنگ اغلب ادیان بزرگ دنیا به چشم می خورد و به ویژه در ادیان ابراهیمی از برجستگی و اهمیت خاص برخوردار است. این اصطلاح معمولاً به روزگاری پائانی دنیا و رویدادهایی که ممکن است در این بخش از زندگی دنیا روی به وقوع بیاورند گفته می شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی کرده اند؛ برای مثال در «انجیل» چنین آمده است: «... و این را بدان که اوقات صعب در زمان آخر خواهد رسید» زیرا که خواهند بود مردم خدوست و زپرست و مغرور و متکبر و کفرگو و نافرمان والدین و حق شناس و بدین و بافت و بولفا و خبث کننده و بلیه زو و لحلم و باخوبان بااعتنا و خائن و کم حوصله و عبوس کننده و عیش را بر خدا ترجیح می دهد. قرآن مجید نیز در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده است. در معارف ارزشمند اسلامی این اصطلاح در دو معنای کلی به کار رفته است: مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام (ص) آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پائانی می آید. از این رو آن پیامبر الهی را پیامبر آخرالزمان نیز نامیده اند. مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام (ص) حضرت مهدی (ع) آغاز می شود، زمان غیبت و ظهور را در بر گرفته، با شروع قیامت به انجام می رسد. روایات اهل بیت (ع) نشان می دهد: الف) با سپری شدن این دوران بساط زندگی دنیا پرچده می شود و مرحله های جدید در نظام آفرینش آغاز می گردد ب) آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می شود: دوران نخست که انسان به مراحل پائانی انحطاط اخلاقی رسیده، فساد اخلاقی و ستم همه جوامع بشری را فرا می گیرد و واپسین امددهای بشری به ناله می آید؛ و دوران دوم که عصر تحقق وعده های الهی به پیامبر اولوای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می شود. کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقهای بزرگ اسلام پذیرفته شده است ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی موعود و نیز هویت مهدی موعود اختلاف نظر وجود دارد. شیعه این دوازده امامی حضرت مهدی (ع) و حکومت جهانی او را حسن ختام حیات بشر در زمین و او را همان موعود امتها می دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی (ع) برخی از ائمه و زکات و صالحان و نیز بندگان و تبهکاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می گردند و زندگی دنیا پائانی می آید. با گلگشتی در کلمات نورانی معصومان (ع) می توان واژه های پائانی را که به انگری می آید و آخرالزمان است، یافت. این واژه ها عبارت است از: 1. آخرالزمان (پائانی زمان) امام صادق (ع)، پیشوای ششم راستگو، فرمود: «رسول گرامی اسلام (ص) به عالم (ع) فرمود: آیا تو را بشارت ندهیم؟ آیا تو را خبر ندهیم؟ عرض کرد: بلیه، رسول الله. آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد - همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده - از نسل تو و از فرزندان حسن (ع) است». 2. «لا تذهب الدنیا» (دنیا به پائانی نرسد) این تعبیر به انگری حتمی بودن تحقق حوادثی است که پس از آن ذکر می شود. عبدالله بن مسعود می گوید: رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «دنیا به پائانی نرسد مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود. و روشن است دنیا به پائانی نرسد مگر این که بخش پائانی از اشی (آخرالزمان) را پشت سرگذارد. «لا تقوم الساعة» (قیامت برپا نمی آید) پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «قیامت برپا نمی آید تا این که قیام کنندگان به حق از خاندان ما قیام کنند؛ و این هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید؛ و هر کس از او پیروی کند، نجات یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد...». 4. «لا تنقضی الامم» (روزها منقضی نگردد) رسول خدا (ص) فرمود: «روزها منقضی نگردد تا این که مردی از اهل بیت من بر زمین حکومت کند که همان من است». 5. «لؤلیم بق من الدنیا الا یوم واحد» (اگر از دنیا پیش از یک روز باقی نماند) امیر اکرم (ص) فرمود: هنگام پائانی زمان و آشکار شدن فتنه ها، مردی هست که به او مهدی گفته می شود و بخشش بسیار دارد. 7. نشانه های آخرالزمان این محدوده زمانی نشانه های پائانی دارد که اصطلاحاً «علائم آخرالزمان» خوانده می شود. علاوه بر اصطلاح رایج «علائم آخرالزمان» در فرهنگ مسلمانان اصطلاح مشابه دیگری به نام «اشارات الساعة» وجود دارد. این اصطلاح که بیشتر نزد اهل سنت رایج است، به نشانه های وقوع قیامتصاص دارد؛ ولی روایاتی که ذکر شده نشان می دهد بسیاری از نشانه های آن چون نشانه های آخرالزمان است و می توان بسیاری از نشانه های آخرالزمان را نشانه های قیامت دانست. همان گونه که اشاره شد آخرالزمان به دو بخش متفاوت تقسیم می شود. بر اساس روایات، بخش اول به ار دشوار خواهد بود. بخشی از مشخصه های این عصر عبارت است از: 1. گریز از دنیا پیامبر گرامی اسلام (ص) و ژنگ های انسانی این دوران را این گونه بر شمرده است: «زمانی بر مردم خواهد آمد که در هم می آید نشان خواهد بود و همیشان شکمشان و قبله هایشان زناشان. برای طلا و نقره رکوع و سجود به جای می آورند. آنها همواره در حرارت و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانانند و نه بر مسلک نصرانی.

دنا پرستی^۱ رسول خدا فرمود: «زمانی بر امت من آمد که در آن زمان دروئیهای مردم پلید می‌شود ولی ظواهرشان به طمع مال دنا آراسته می‌گردد؛ به آنچه در پیشگاه خداوند است دل نم‌بندند؛ کارشان را و تظاهر است؛ خوف از خدا به دلشان راه ن‌ابد و خداوند آنها را به عذایی فرچار سازد. آنها چون غریقی خداوند را می‌خوانند؛ ولی خداوند دعا شان را مستجاب نمی‌کند». آزما شهای بزرگ^۲ یکی دیگر از ویژگیهای دوران آخرالزمان امتحاناتی است که انسانها در این دوران پشت سر می‌گذارند. با این آزمونها، مردم به دو گروه تقسیم میشوند: موفقیها و ناموفقیها. امیر اکرم(ص)، وقتی از چهره‌های موفق این دوران یاد می‌کند، با شگفتی به علی(ع) چنین می‌فرماید: «ای علی، بدان شگفت آورتر این مردم در ایمان و بزرگتر این آنان در حق مردمی هستند که در آخرالزمان [با آن] که امیر خود را ندیدند و از امام خود محجوبند، به نوشتن سوره بر صفحه‌های سپید است، ایمان می‌آورند.»^{۱۰} ام مؤمنان علی(ع) نیز درباره نجات یافتگان این دوران می‌فرماید: «و آن زمانی است که از فتنه‌ها نجات نمی‌آید مگر مؤمنانی که به ایمان و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند؛ و اگر غایب گردند، کسی سراغ آنها را نمی‌گیرد. آنها برای سرگردانان در شب ظلمات چراغهای هدایت و نشانهای روشنند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه‌انگیز. نه در پی اشاعه [فحشا]ند و نه مردمی سفیه و لغوگو! اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سوی ایشان باز می‌کند و سخته‌ها و مشکلاتی را از آنها برطرف می‌سازد.

 ۱. نوشت: کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، نامه

دوم پولس حواری به تیموتئوس، باب سوم. غایت نعمانی، ابن ابی زینب، ص 357. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص 182، ح 141. عون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق، ج 2، ص 59. بشاره المصطفی لشعه المرتضی، طبری آملی، ص 258. کتاب الغیبه، ص 46. کشف الغمّه، اربلی، ج 3، ص 260. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج 11، ص 379. کافی، شیخ کلینی، ج 8، ص 306. من لا یحضره الفقه 4، شیخ صدوق، ج 4، ص 366. نهج البلاغه، خطبه 103. منبع: ماهنامه پرسمان 82